

گزارشی به بهانه افتتاح تماشاخانه «فردوس» در مشهد که نگاهی به نخستین اجرای نمایشی در این قاب تازه دارد

تولد یک تماشاخانه؛امیدها و چالش های تئاتر دانشجویی

طین همتی

تئاتر، بیش از آنکه هنری دیداری و شنیداری باشد، پیوندی عمیق با «مکان» دارد. محل اجرای تئاتر، تنها یک سالن چهار دیواری نیست، بلکه بستری است که در آن ایده ها جامه عمل می پوشند و نسل های نوظهور هنر، نخستین گام های لرزان اما استوار خود را برمی دارند. افتتاح تماشاخانه «فردوس» در مؤسسه آموزش عالی فردوس مشهد، فراتر از یک رویداد عمرانی، رخدادی فرهنگی است که می تواند نقطه عطفی در پیوند میان قشر دانشگاهی و هنر نمایش باشد. در روزگاری که تئاتر، به ویژه در شهرهای بزرگ، با چالش های زیرساختی و هزینه های گزاف سالن داری دست و پنجه نرم می کند، ایجاد یک فضای استاندارد در دل دانشگاه، آن هم با تگاه حمایتی به استعداد های جوان، اتفاقی مبارک است. این گزارش با نگاهی به ظرفیت های ایجاد شده، به سراغ «محمد جهان پا»، از پیشکسوتان تئاتر و مدیر گروه تئاتر این مرکز آموزشی و «ارمان افشاریان»، کارگردان جوان نمایش «امپراطوریس اصطلیل» رفته است تا نبض تئاتر دانشجویی مشهد را در این فضای تازه بسنجد.

● ایجاد یک زیست بوم

محمد جهان پا، درباره افتتاح این سالن نمایش در فضای دانشگاه گفت:تماشاخانه های دانشگاهی نباید تنها به عنوان مکانی برای نمایش های آخر ترم دیده شوند، بلکه باید به آزمایشگاه های هنری تبدیل شوند. افتتاح تماشاخانه فردوس، تنها اضافه شدن یک سالن به سرانه فرهنگی مشهد نیست، بلکه ایجاد یک زیست بوم است. دانشگاه، کانون تولید اندیشه است و وقتی هنر نمایش در این بستر قرار می گیرد، خروجی کارها از حالت کلیشه ای فاصله گرفته و رنگ و بوی تفکر و پژوهش به خود می گیرد. در سال های اخیر شاهد ظرفیت های بسیار بالایی در بدنه دانشجویی تئاتر مشهد بوده ایم، اما این استعداد ها اغلب پشت درهای بسته سالن های دولتی یا هزینه های کمرشکن سالن های خصوصی متوقف می شدند. وی با تأکید بر اینکه تماشاخانه دانشگاهی می تواند حلقه مفقوده میان آموزش آکادمیک و تجربه عملی باشد، افزود: دانشگاه محل آزمون و خطاست. هنرجویی که در دوران تحصیل فرصت می باید در یک سالن تخصصی و با تجهیزات مناسب کار کند، ۱۰سال از هم نسلان خود که فقط در کلاس های نظری حاضر بوده اند، جلوتر است. این تماشاخانه می تواند بستری باشد که

در آن رقابت های سالم شکل می گیرد، نه رقابتی که هدفش صرفاً گرفتن جایزه باشد، بلکه رقابتی برای ارتقای استانداردهای فنی و روایی است. جهان پا همچنین به چالش های زیرساختی اشاره کرد و گفت، بزرگ ترین بحران تئاتر مشهد، کمبود فضا های ارزان و در دسترس است. اگر دانشگاه ها بتوانند این فضا ها را با نگاهی حمایتی در اختیار گروه های جوان قرار دهند، شاهد یک جهش بزرگ در اجرای تولیدات نمایشی خواهیم بود. وی در پایان بر این نظر است که جشنواره های دانشجویی نباید پایان یک فعالیت باشند، بلکه باید در تمام طول سال و در همین تماشاخانه ها، روند تولید نمایش زنده و پویا بماند.

● دغدغه ای برای استقلال و هویت انسانی

نمایش «امپراطوریس اصطلیل» به نوپسندگی ماندانا عبقری و طراحی و کارگردانی ارمان افشاریان، به عنوان نخستین اثر در تماشاخانه فردوس، بار مسئولیت معرفی این فضای تازه را به دوش کشیده است. ارمان افشاریان، هنرمند جوان متولد ۱۳۸۲ که پیش از این به عنوان بازیگر تجربه های موفق را پشت سر گذاشته، حالا در بیست و دو سالگی، نخستین تجربه کارگردانی خود را در تماشاخانه ای به انجام رسانده که خود آن نیز «کار اولی» در مسیر بهره برداری است.

افشاریان درباره محتوای نمایش با اشتیاق از لایه های زیرین کار می گوید: «امپراطوریس اصطلیل» یک کمدی عاشقانه است که در بستر یک کافه جریان دارد. دو پیشخدمت درگیر روزمرگی های خود هستند. ورود یک

غریبه به این کافه که گویی از راه های درونی همه آگاه است، کلید پیشبرد داستان ماست؛ اما اگر بخوام از دغدغه اصلی ام بگویم، موضوع استقلال و هویت زنانه است. وی ادامه می دهد، شخصیت زن نمایش من، درگیر چالش های عمیقی است، او سعی می کند مسیر خودش را انتخاب کند و از وابستگی های کلیشه ای که به او تحمیل شده، رها شود. این مسئله فقط برای زن نمایش من نیست؛ بلکه مسئله ای است که قشر جوان امروز با آن روبه رو است اینکه چگونه می تواند در دنیای مدرن، خود واقعی اش را پیدا کند و مستقل باشد؟ افشاریان که تمرینات خود را از ابتدای فروردین ماه آغاز کرده و تا ۱۶ خرداد به مرحله اجرا رسانده است، درباره سختی های این مسیر می گوید؛ شاید برای مخاطبی که نمایش را می بیند، فقط یک ساعت و نیم اجراروی صحنه باشد، اما برای ما، فرودین تا خرداد، ماه هادرگیری با مسائل اداری، مجوزها و محدودیت های مالی بود. «کار اولی» بودن در دنیای تئاتر مشهد، یعنی پذیرش تمام درهای بسته ای که باید به مرور باز شوند. از تهیه دکور و تأمین هزینه های جانبی گرفته تا هماهنگی های مربوط به مجوز اجرا در محیط دانشگاه، همگی چالش هایی بودند که اگر عشق به تئاتر نبود، می توانستند ما را از نیمه راه منصرف کنند.

● آگاهی رسانی؛ رسالت کارگردان جوان

افشاریان درباره انگیزه اش برای ورود به عرصه کارگردانی با وجود بازیگری می گوید: از شانزده سالگی بازیگری کرده ام و آن را با تمام وجود دوست دارم، اما در کارگردانی، چیزی وجود دارد که مرا بیش از پیش به خود جذب کرده

است؛ قدرت آگاهی رسانی. من دغدغه دارم، هر انسانی عقایدی دارد، اما من دوست دارم آنچه را که فکر می کنم درست است، از طریق هنر به مخاطبم منتقل کنم. دوست دارم تماشاگر پس از دیدن نمایش من، با یک سؤال از سالن خارج شود، نه اینکه صرفاً خندیده باشد و فراموش کند.

وی معتقد است؛ اگر تماشاخانه هایی مثل فردوس در سطح شهر بیشتر شوند، گروه های نمایشی مجبور نیستند انرژی خود را صرف پیدا کردن مکان برای تمرین کنند. آنگاه می توان این انرژی را صرف کیفیت اجرا کرد و نتیجه اش در جشنواره های ملی دیده خواهد شد. ما ظرفیتش را داریم، فقط باید فرصت هایمان را

بهبته کنیم. این کارگردان جوان با اشاره به اولین اجرای خود در تماشاخانه ای در بستر دانشگاه می گوید، افتتاح تماشاخانه فردوس و اجرای نمایش «امپراطوریس اصطلیل»، شاید در نگاه اول تنها یک رویداد کوچک در تقویم فرهنگی دانشگاهی باشد، اما در حقیقت، سنگ بنای حرکت های بزرگ تری است. برای کارگردان کار اولی چون من، این اجرانخستین پله است. این تماشاخانه، اکنون به خانه ای برای دانشجویها تبدیل شده است؛ فضایی که در آن می توانند بدون هراس از داوری های بیرونی، هنر خود را آزمایش کنند. تئاتر دانشجویی مشهد به زیرساخت نیاز دارد و تماشاخانه فردوس، پاسخ واقعی به این نیاز است. حالا باید دید آیا این فضای دانشگاهی، می تواند موجی از خلاقیت های دانشجویی را به راه بیندازد و در آینده ای نزدیک، تئاتر مشهد را از بحران های زیرساختی نجات دهد یا خیر.

جسارت در دنیای نیمه فانتزی رؤیا

«کلینیک رؤیا»، با گشودن پنجره های تازه در تلویزیون، به ایستگاه پایانی رسید



ترکیب رنگ ها، طراحی صحنه و لباس، شیوه فیلم برداری و حال و هوای نیمه فانتزی حاکم بر این اثر، به آن هویتی متفاوت بخشیده بود که شاید این تجربه از منظر سینمایی بی نقص نباشد، اما خلاقانه و گامی رو به جلو، در راستای خروج از چرخه تکرار، محسوب می شد.

● حرف های شنیده نشده

متفاوت ظاهر شدن و جسارت سریال «کلینیک رؤیا»، به فرم هنری و مختصات بصری آن محدود نمی شد. این مجموعه، از منظر محتوایی نیز، شجاعانه و با لحنی ممزوج از شوخی و جدیت، به سراغ موضوع هایی رفت که کمتر به گوش مخاطب تلویزیون می رسند. از نگاه های مردسالارانه جنسیتی در قالب پدری که فرزندش را نمی خواهد و مردی که حاضر نیست نازایی خود را بپذیرد گرفته تا طراحی شخصیت یک پزشک اهل افغانستان (با فاصله ای معنادار از تصویر رایج مهاجران نزد افکار عمومی) و حتی طرح نسبتاً صریح مسائل تخصصی مرتبط با بارداری و موضوع های فیزیولوژیک زنان، این سریال تلاش کرد تا از



نگاهی به ۳نمایشنامه تازه منتشر شده از نشر قطره

چند پرده از زندگی کشور همسایه، جنگ و معنای مردن و یک کودتا

خادم

پس از چند ماه وقفه و رکود بسیار شدید در فضا های فرهنگی و هنری که صنعت نشر هم از آن در امان نبود، به تازگی آثاری در حال انتشار است که نشان دهنده بازگشت اندک رمقی به جان این صنف و صنعت است.

نشر قطره در همین ماه خرداد، چند نمایشنامه منتشر کرده است که در ادامه، معرفی مختصری از سه عنوان آن، یعنی «نگهبان های ویرانه ها و تخم مرغ فابره»، «اثر گورکن خانجیان (ارمنستانی)»، «پس از مرگ» (اثر نوئل کاوردا انگلیسی) و «خاکستر بیشتر» (اثر خوان مایورگای اسپانیایی) می آید.

● روایتی از فضای معاصر در چند پرده

«نگهبان های ویرانه ها و تخم مرغ فابره» دو نمایشنامه از گورکن خانجیان، نمایشنامه نویس ارمنی، هستند. هر دو اثر در فضای معاصر ارمنستان می گذرند و بر زندگی آدم های حاشیه نشین و خانواده های معمولی تمرکز دارند.

نمایشنامه «نگهبان های ویرانه ها» در دو پرده و بر اساس داستان کوتاهی به نام «نگهبان خانه مخروبه» نوشته شده است. این نمایشنامه در خانه ای ویران می گذرد و شخصیت های اصلی آن بی خانمان ها، گداها، روسپی ها و آوازخوانی آواره است که با ورود یک نگهبان مرموز، نظم تازه ای بر زندگی آشفته شان تحمیل می شود.

اجرای این متن نمایشی می تواند پیش پرده ای تعاملی داشته باشد که در آن، بی خانمان ها و گداها در لابی سالن تئاتر میان تماشاچیان رفت وآمد کنند. نمایشنامه «تخم مرغ فابره» یک کمدی در دو پرده است که در حیاط خانه قدیمی شاهن، پیرمردی بازنشسته، می گذرد. این اثر بر روابط خانوادگی، بحث های نسل های مختلف درباره پول، مهاجرت، فروش خانه موروثی و رؤیای ثروتمند شدن متمرکز است. شخصیت هایی مثل شاهن، پسرش (لئون)، نوه اش (تیکو)، دخترش (رزا)، همسایه پیرش (خاچاطورا) و مهمان دیاسپورایی از حلب در کنار زنی از بنگاه معاملات املاک فضایی پرگفت وگو، پر از شوخی و درعین حال انتقادی نسبت به وضعیت اقتصادی و اجتماعی امروز ارمنستان را ساخته اند. همچنین در آغاز کتاب مقدمه ای نسبتاً مفصل درباره ادبیات نمایشی ارمنستان، قدمت بیش از ۲۱۰۰ ساله تئاتر در این سرزمین و رفت وآمد ترجمه ای میان نمایشنامه نویسان ایرانی و ارمنی آمده که آندرانیک خجومیان آن را نوشته است. این مقدمه توضیح می دهد چگونه کم بودن شناخت متقابل گروه های تئاتری ایران و ارمنستان، انگیزه ترجمه مجموعه ای از نمایشنامه های ارمنی شده است.

نگهبان های ویرانه ها و تخم مرغ فابره / نوشته گورکن خانجیان / ترجمه ورزیک قزاییکی / نشر قطره، ۱۴۰۵ / ۱۲۶ صفحه / ۳۲۰ هزار تومان

● مردن برای چه؟ برای کی؟

«پس از مرگ» نوشته نوئل کاوردا، نمایشنامه ای چند پرده ای درباره جنگ، قهرمان سازی و معنای زندگی پس از کشتار است. داستان از خط مقدم جنگ جهانی اول آغاز می شود و سپس در خانه ها، اتاق های نشیمن و دفتر روزنامه ای بزرگ در لندن ادامه پیدا می کند. در این نمایش، روح افسر جوانی که در جبهه کشته شده، لحظه ای به جهان زنده ها بازمی گردد تا ببیند مرگ او و هم رزمانش چه معنایی در زندگی بازماندگان پیدا کرده است.

جان، سرباز جوان بریتانیایی، در واپسین لحظات زندگی اش، در سنگرهای خونین جنگ جهانی اول، در سفری فراواقعی از مرزهای زمان عبور می کند و به سال های پس از جنگ می رود، به بریتانیایی ظاهرا آرام که جنگ و وحشت ناشی از آن را پشت سر گذاشته است. جان به میان خانواده و دوستانی بازمی گردد که برایشان جنگیده است. اما آنچه می باید با تصوراتش کاملاً متفاوت است، معشوقه ای که تقریباً فراموشش کرده است، جامعه ای که همچنان با شعارهای وطن پرستانه جنگ را توجیه می کند و سیاست مدارانی که قربانیان را به فراموشی سپرده اند. او از خود می پرسد که اساساً این جنگ چه معنایی داشت؟ و مرگ این همه انسان برای چه بود؟ نوئل کاوردا، نمایشنامه نویس بریتانیایی، در این نمایشنامه، پرسش هایی درباره نسبت زندگی فردی با آرمان های اجتماعی مطرح می کند، پرسش هایی که هر بار شنیدن آن تازه است.

پس از مرگ / نوشته نوئل کاوردا / ترجمه مهدی فیاضی کیا / نشر قطره، ۱۴۰۵ / ۱۲۰ صفحه / ۳۱۰ هزار تومان

● ماجرای یک کودتا

نمایشنامه «خاکستر بیشتر» اثری از نویسنده برجسته معاصر اسپانیایی، خوان مایورگا است که در سال ۱۹۹۲ نوشته شد و به خاطر آن جایزه معتبر کالدرون دلا بارکا (Calderón de la Barca) را دریافت کرد.

داستان پیرامون سه زوج (شش شخصیت) شکل می گیرد که در فضایی مملو از دروغ، گناه و خیانت گرفتار شده اند. روابط میان این شخصیت ها پیچیده است و هر یک به شکلی با گذشته و رازهای مگو درگیرند. داستان «خاکستر بیشتر» چگونگی شکل گیری یک کودتا را مطرح می کند. آخرین ساعات پیش از ترور رئیس جمهور در یک دموکراسی رسانه زده است و سه زوج سه قطب مثلث داستانی را تشکیل می دهند. قربانی، جلاو و تحریک کننده (که جانشین قطعی رئیس جمهور ترورشده خواهد بود) خود را آماده می کنند تا در یک میتینگ سیاسی مهم شرکت کنند؛ جایی که قرار است این «قتل سیاسی» در آن به وقوع بپیوندد. نویسنده از این طرح داستانی برای نقد تند و تیز سیستم سیاسی وقت کشورش بهره می برد.

خاکستر بیشتر / نوشته خوان مایورگا / ترجمه سینا اسکندری / نشر قطره، ۱۴۰۵ ۶۴ صفحه / ۱۵۵ هزار تومان

بی نوشت

برای نوشتن این مطلب از سایت ناشر و طاقچه استفاده شده است.

شهریار

۲شنبه
۲۵ خرداد ۱۴۰۵
شماره ۳۳۷۸



SHAHRAHANews.IR